

# مشاوره و رجحان‌های پیش‌رو

کیانوش مرآتی‌فشی

شخصیتی دانش‌آموزان، رسیدگی به مسائل تحصیلی دانش‌آموزان از قبیل مطالعه، یادگیری، ترک تحصیل و... دخالت در امور توزیعی و سازشی مربوط به دانش‌آموزان، حل مشکلات مختلف و متنوع شاگردان و دخالت در امور انضباطی دانش‌آموزان است.

بنابراین متوجه می‌شویم که نقش مشاوره شامل یک سلسله فعالیت‌های سنتی و کاملاً درک نشده است که در محیط آموزشگاه و جامعه وجود دارد و مشاوران نیز این نقش را پذیرفته‌اند، اما احساس سردرگمی می‌کنند و برای رهایی از این سردرگمی به فعالیت‌های گوناگونی دست می‌زنند. این فعالیت‌ها نیازهای مراجعان و دانش‌آموزان را به خوبی برآورده می‌کند و نه به یک ارضای درونی برای مشاور می‌انجامد. از این رو بیم آن می‌رود که مشاوران به علت این همه مشغولیات ذهنی و مسئولیت زیاد به مرحله‌ای از بی‌تفاوتی برسند که علاقه به انجام هیچ کدام از فعالیت‌های مورد انتظار را نداشته باشند. طبق انتظارات جامعه و متولیان مشاوره، مشاوران یک ژنرال‌یست هستند، یعنی دارای اطلاعات عمومی

این مسئله که راهنمایی و مشاوره کاری پیچیده است و امری نیست که یک نفر به تنهایی قادر به انجام آن باشد، امروزه آشکارتر و مشخص‌تر شده است. زیرا برنامه‌های راهنمایی و مشاوره در جهات مختلف گسترش پیدا کرده است. مشاوره در حد زیادی نیازمند حسن نیت و حمایت معلمان، والدین، مربیان، مدیران، معاونان مدرسه و متخصصان دیگر است. اجرای برنامه راهنمایی و مشاوره کاری است که فوق طاقت و قدرت عقلانی، دانش و تجربه مشاوران است. ممکن است سؤال شود مشاوران چه وظایفی بر عهده دارند که این گونه مشکل است؟ در پاسخ به این سؤال باید گفت: وظایف، توقعات و انتظاراتی که جامعه، دانش‌آموزان، والدین و حتی دست‌اندرکاران امر مشاوره از مشاوران دارند، انتظاراتی از قبیل: اخذ تصمیم در زمینه تربیتی و حرفه‌ای و مسائل مربوط به طرح‌ریزی تربیتی، تحصیلی و شغلی، انجام تست‌ها و تفسیر آن‌ها، مشاوره و مصاحبه با والدین و دانش‌آموزان، ارزیابی وضعیت تحصیلی شاگردان به بهترین صورت ممکن، رسیدگی به امور اجتماعی، عاطفی و

داشته باشد تا جلسات مشاوره‌ای فردی و گروهی تشکیل دهد، آگاهی و دانش او آن اندازه عمیق و کافی باشد تا بتواند این جلسات را اداره کند و دانش و تجربه او آن قدر وسیع باشد تا بتواند به درمان دست پیدا کند.

انجام مؤثر و ظایفی که غالباً به یک ژنرالیست نسبت داده می‌شود، مستلزم این است که مشاور به صورت یک عالم اجتماعی و روان‌شناس با سابقه در آید. این عمل باعث می‌شود که وظایف مشاور با وظایف بسیاری از متخصصان دیگر تداخل پیدا کند. ناگفته نماند که مشاوران تازه کار، خود به این انتظارات و توقعات گسترده دامن می‌زنند و سعی می‌کنند در همه این امور که آموزش دیده‌اند (البته آموزش ناکافی در حد کارشناسی) دخالت کنند. غافل از این که بسیاری از متخصصان مشاوره و روان‌درمانی، مداخله درمانی را برای حتی کارشناسان ارشد مشاوره و روان‌شناسی جایز نمی‌دانند و اعتقاد دارند زمانی فرد اجازه مشاوره و روان‌درمانی دارد که دارای درجه دکترای مهارت‌اندوژی کافی باشد.

در کتاب نظریه‌های مشاوره، ترجمه خدیجه آربین، نویسنده معتقد است: "بعید است که یک کارشناس ارشد مشاوره خود را روان‌درمان‌گر بداند و حتی احتمال این که به او اجازه داده شود تا به عنوان یک روان‌درمان‌گر کار کند ضعیف است (ص ۱۹).

در صفحه ۲۳ همین کتاب آمده است: بیش‌تر روان‌درمان‌گران در سطح دکترای تربیت می‌شوند.

انجمن روان‌شناسان آمریکا در بیان این که چه کسانی می‌توانند رسماً به عنوان روان‌شناس مشاوره‌ای یا روان‌شناس بالینی اقدام کنند،

می‌باشند. این برداشت را هم از توقعات مردم می‌توان فهمید و هم از تعاریفی که از راهنمایی و مشاوره به عمل می‌آید. در کتاب برنامه‌ریزی تحصیلی و شغلی که در مدارس متوسطه تدریس می‌شود در صفحه ۱۸ تحت عنوان تعریف و اهداف راهنمایی چنین آمده است:

"هدف خدمات راهنمایی تحصیلی و شغلی تنها آشنا ساختن نوجوانان با دنیای روبه‌رشد و متحول تحصیل و کار و کمک به آن‌ها در کشف استعدادهای خود و انتخاب رشته تحصیلی یا شغلی نیست، بلکه هدف اصلی پرورش جوانانی است که مجهز به مهارت‌های تصمیم‌گیری و مشکل‌گشایی در همه زمینه‌های زندگی باشند و بتوانند به ارزیابی انتقادی عقاید و افکار و راه‌حل‌ها بپردازند. از این رو مشاوران علاوه بر خدمات راهنمایی و مشاوره تحصیلی - شغلی، خدمات راهنمایی و مشاوره سازشی را که به مسائل شخصی، خانوادگی و ارتباطات اجتماعی دانش‌آموزان مربوط می‌شود، ارائه می‌دهند."

البته آموزش‌هایی که به مشاوران در دوران تحصیل داده می‌شود عمومی‌اند و همه اهداف فوق را در بر می‌گیرند و شکی نیست که هر مشاور باید اطلاعات لازم، تجربه و مهارت کافی برای رسیدن به آن اهداف را داشته باشد، اما برخورداری از دانش، تجربه و مهارت در چندین امر به این معنی نیست که بتوان در یک محیط و یک زمان محدود به انجام همه آن فعالیت‌ها دست زد و موفق هم شد. این توقعات، ضرب‌المثل معروف "با یک دست چند هندوانه برداشتن" را به ذهن متبادر می‌کند. برای این که مشاور بتواند به عنوان یک ژنرالیست عمل کند، باید فرصت کافی

مشاوران از داشتن تجربه و مهارت کافی برخوردار باشند. مطلب دیگری که در این باره می‌توان گفت این است که مشاوره در یک موقعیت آموزشی با مشاوره در موقعیت کلینیکی کاملاً متفاوت است. در مدارس امکانات و زمان لازم برای مشاوره محدود است و دانش‌آموزان، مشاور را یک معلم می‌دانند (البته معلم نیز می‌باشد)، نه یک درمان‌گر و معمولاً از مشاور یک تصویر نصیحت‌گر دارند، اگر چه مشاور نصیحت‌گر نیست و نباید باشد.

برای این که تفکیکی هر چند جزئی میان مشاور و روان‌درمان‌گر قائل باشیم، به صورت خلاصه به چند وجه از وجوه تمایز مشاوره و روان‌درمانی اشاره می‌شود.

"مشاور با افرادی کار می‌کند که مشکلات آنها ضعیف‌تر از مشکلات افرادی است که روان‌پزشک یا روان‌درمان‌گر می‌بیند. هنگامی که او به روان‌درمانی مبادرت می‌کند باید همیشه گوش به زنگ باشد که وظیفه دارد مراجعانی را که مشکلات هیجانی شدید دارند به روان‌پزشک یا روان‌درمان‌گر ارجاع دهد. (نقل از نظریه‌های مشاوره، ترجمه خانم آرین، صفحه ۲۱).

بنابراین مشاور در آموزشگاه درمان‌گر نیست، هم به لحاظ این که درمان یک جریان مستمر و طولانی است که از وقت و حوصله مشاور آموزشگاه خارج است و هم دانش و تجربه و مهارت زیادی لازم دارد که در حیطه کار مشاوران آموزشگاه‌ها نیست و هم این که اصولاً آموزشگاه با کلینیک متفاوت است.

این باورها به مشاوران کمک می‌کند تا خود را کم‌تر وارد عرصه مشاوره‌سازی نمایند.



می‌گوید:

"تنها اشخاصی که درجه دکترا دارند رسماً به عنوان روان‌شناس مشاوره‌ای یا روان‌شناس بالینی شناخته می‌شوند." (نقل از پیام مشاوره، شماره یک، صفحه ۳۸).

بنابراین حائز اهمیت است که بدانیم درمان، مداخلات درمانی، تغییر و اصلاح رفتار کار ساده‌ای نیست و نمی‌توان چنین وظایف سختی را در محل آموزشگاه انجام داد، حتی اگر

آقای یوسف اردبیلی دز کتاب اصول و فنون راهنمایی و مشاوره، صفحه ۲۷۳ می‌گوید:

"مسائل سازشی، گاه سخت عمیق‌اند و در تار و پود شخصیت آدمی ریشه دوانیده‌اند. این گونه مسائل را نمی‌توان فوراً به نشانه‌ها و علائم مربوط کرد، بلکه حل آن‌ها به رشد و تکامل فرد و زمان نسبتاً طولانی نیاز دارد. در این جاست که مشاور متوسط احتمالاً به علت فقدان دانش و مهارت در روان درمانی ناتوان می‌شود، یا مسئله مراجع را بیش از حد بزرگ کرده، اقدامی در رفع آن معمول نمی‌دارد. حتی اگر در تشخیص درست مشکل دانش آموز توفیقی یابد ممکن است به علت چاره‌اندیشی فردی در طریقه علاج و درمان مسئله به گمراهی برسد."

پس مشاوران اگر ژنرالیست نیستند می‌بایست آنان را متخصصانی دانست که در یک زمینه ویژه مهارت دارند. بسیاری اعتقاد دارند که مشاور آموزشگاهی باید به کار مشاوره حرفه‌ای پردازد و در سایر امور دخالت نداشته باشد. این نظریه نیز نه مشاوران را قانع می‌سازد، نه جامعه دانش‌آموزی و نه آموزش و پرورش را، زیرا در آموزشگاه مجموعه‌ای از مشکلات تربیتی، روانی و عاطفی ممکن است وجود داشته باشد که نیازمند بررسی و حل و رفع است. مشاورانی که در این زمینه‌ها دانش و مهارت اندوخته‌اند شایسته‌ترین افراد برای مداخله در آموزشگاه به شمار می‌آیند. اگر آنان مداخله نکنند ممکن است کار بررسی به دست افرادی بیفتد که توانایی و مهارت کم‌تری دارند. این گفتار به ظاهر دچار نوعی تناقض شده است. یعنی از طرفی مشاوران را از پرداختن به مشاوره سازشی و درمان به پرهیز فرا می‌خواند و از طرفی دیگر آنان را در آموزشگاه شایسته‌ترین و صالح‌ترین افراد برای مداخله و

رسیدگی به این امور می‌داند.

بار دیگر ذکر این نکته ضرورت دارد که مشاوران به عنوان کسانی تربیت شده‌اند که دارای اطلاعات عمومی در باره راهنمایی و مشاوره و روان درمانی‌اند و هدف‌ها نیز این نکته را به وضوح روشن می‌سازد، ولیکن مسئله، مسئله توانستن است، نه دانستن. منظور این است که اصولاً مشاوران قادر به انجام همه فعالیت‌ها نیستند، حتی اگر به اندازه کافی دانش و مهارت داشته باشند. با توجه به آنچه گفته شد، مشاور مدرسه هم ژنرالیست است و هم متخصص. در حقیقت او می‌تواند در هر دو جنبه فعالیت کند. او ژنرالیست است، زیرا در اختیار همه دانش‌آموزان با همه مشکلاتی که ممکن است داشته باشند قرار دارد و هم چنین دارای معلوماتی درباره همه آن مسائل و مشکلات است. او متخصص است، زیرا دارای اطلاعاتی درباره نظریه‌های راهنمایی و زمینه‌های حرفه‌ای می‌باشد و نیز می‌تواند در مدرسه به سازش و رشد فرد دانش‌آموزان کمک کند. لیکن مشاوران ناگزیرند بین این دو دسته فعالیت یکی را بر دیگری رجحان دهند. چون این حقیقت را نمی‌توان کتمان کرد که وقتی مشاور به حل مسائل سازشی می‌پردازد ناچار از گردآوری اطلاعات است و نیز با مسئله انتخاب رشته، شغل و مسائل تحصیلی متفاوتی روبه‌رو می‌شود و زمانی که مشاور به راهنمایی و مشاوره شفلی و تحصیلی می‌پردازد، با مشکلات سازشی مواجه می‌شود که لزوماً می‌بایست آن‌ها را نیز حل کند یا مورد توجه قرار دهد. اما آنچه مهم است رجحان یک فعالیت بر فعالیت دیگر است تا در انجام امور تداخل و سردرگمی به وجود نیاید.

حال چنانچه مشاور آموزشگاه فعالیت‌های مربوط به راهنمایی و مشاوره تحصیلی و شغلی را برگزیند، آیا پشتوانه نظری برای این انتخاب دارد یا خیر؟ جواب مثبت است، زیرا از بیست اصل نظام آموزش و پرورش چهار اصل زیر مربوط به اجرای برنامه راهنمایی است و بیش‌تر به راهنمایی تحصیلی و حرفه‌ای تأکید دارد.

اصل پنجم: برنامه‌ها و روش‌هایی پیش‌بینی خواهد شد که در سایه آن‌ها با دقت کامل و به مدد مشاهده و تجربه به راهنمایی و کشف استعدادها و میل و علاقه دانش‌آموزان پرداخت و با توجه به تفاوت‌های فردی، هر یک از آنان را در جهاتی راهنمایی کرد که با توان ذاتی و فردی و نیازمندی‌های کشور منطبق باشد.

اصل ششم: تنظیم پرونده تحصیلی و مشاهده و آزمایش تدریجی و مستمر دانش‌آموزان به وسیله معلمان و تشخیص و اندازه‌گیری به شیوه مشاوره، مکمل روش‌های معمول امتحانات خواهد شد.



تحصیلی یا شغل و حرفه خود را برگزینند. (نقل از اصول راهنمایی حرفه‌ای، صفحه ۱۴)

هم‌چنین دو هدف اصلی برنامه راهنمایی در مدارس متوسطه کشور این چنین بیان شده است:

۱- طرح‌ریزی‌های دقیق حرفه‌ای به وسیله دانش‌آموز.

۲- دادن آگاهی‌ها و اطلاعات شغلی به دانش‌آموز (نقل از اصول راهنمایی حرفه‌ای، سید مهدی حسینی، صفحه ۲۲۸).

پاترسون (PATTERSON) در مطلبی تحت عنوان مشاوره چیست؟ چنین می‌نویسد:

اصل هفتم: برای آن که بتوان از روی نتایج مشاهدات روانی دانش‌آموزان را بدون اتلاف وقت به مسیری متناسب با استعداد آنان و منطبق با احتیاجات کشور هدایت کرد، نظام آموزش و پرورش نظامی انعطاف‌پذیر و سرشار از تحرک خواهد بود.

اصل هشتم: تا آن‌جا که ممکن است همراه آموزش اطلاعات عمومی وسیع، همه کودکان و نوجوانان با توجه به برنامه‌های توسعه اقتصادی و عمرانی کشور متدرجاً با انواع فعالیت‌های علمی و نظری و حرفه‌های موجود و ضروری آشنا خواهند شد تا بتوانند در موقع تعیین قطعی سرنوشت خود از روی آگاهی رشته

توجیه کند، دلایلی کاملاً تحصیلی و شغلی است. این مطلب را از اهداف و دلایل ضرورت برنامه رهنمایی و مشاوره در آموزش و پرورش و هم چنین نیازهای جامعه ایران می توان به وضوح مشاهده کرد.

کتاب اصول و فنون رهنمایی و مشاوره در آموزش و پرورش که در دوره کاردانی مراکز تربیت معلم تدریس می شود دلایل ضرورت اجرای برنامه رهنمایی و مشاوره در آموزش و پرورش ایران را این گونه بر می شمارد:

۱- افزایش جمعیت، به ویژه جوانی جمعیت.  
۲- توزیع نامتعادل دانش آموزان در شاخه ها و رشته های تحصیلی.

۳- افزایش دانش آموزان در مدارس و دانشجوینان در دانشگاه ها.

۴- ضرورت برقراری ارتباط مناسب و متعادل بین نیروی انسانی تربیت شده و بازار کار.

۵- افت تحصیلی.

۶- نتایج حاصل از پژوهش های مختلف دال بر وجود مشکلات مختلف در دوره های تحصیلی (صفحه ۸۱).

هم چنین در صفحه ۳۹ همین کتاب، در بحث اهمیت و ضرورت رهنمایی و مشاوره در آموزش و پرورش آمده است:

"صاحب نظران دانش رهنمایی و برنامه ریزان آموزشی را عقیده بر آن است که با توجه به تفاوت در هوش و استعداد های بدنی، روانی، رغبت ها و نیازها، ارزش ها، معلومات و مهارت ها از یک سو و تنوع مواد درسی، رشته های تحصیلی، نیازهای جامعه از سوی دیگر می باید از رهنمایی تحصیلی به معنی علمی آن در فرایند نظام آموزش و پرورش سود

" ما بارها بیان داشته ایم که مشاوره بخشی از کار امور حرفه ای و استخدامی شاگرد یا قسمتی از خدمات رهنمایی در مدارس است. مشاوره هسته اصلی خدمات حرفه ای و استخدامی مدرسه است." (نقل از کتاب اصول و روش های رهنمایی و مشاوره، حسینی، صفحه ۳۵۷)

هم چنین فصل نامه تعامل، نقش عمده مشاوران در مدارس متوسطه را مواردی می داند که ضرورتاً در ارتباط با رهنمایی و مشاوره تحصیلی و شغلی است. در مقاله نقش مشاوران در مدارس متوسطه، شماره ۲ فصل نامه تعامل، صفحه ۱۸ چنین آمده است:

۱- جمع آوری اطلاعات مربوط به سوابق دانش آموزان (۵٪)

۲- تبادل نظر با دانش آموزان به صورت مشاوره فردی و گروهی با توجه به طرح و برنامه و نیازهای آن ها برای ادامه تحصیل (۳۰٪)

۳- ارتباط با معلمان (۱۰٪)

۴- همکاری با معلمان در مسائل دیدگاه های مهم یادگیری (۱۰٪)

۵- همکاری در برنامه های پیشرفت دانش آموزان (۵٪)

۶- ارتباط با معلمان در مورد دانش آموزان مشکل دار (۱۰٪)

۷- تحقیق در مورد موفقیت فارغ التحصیلان و مؤثر بودن برنامه های مدرسه (۵٪)

چرا باید هدایت تحصیلی و شغلی را برگزید؟

آن چه باعث می شود مشاوره در نظام آموزشی کشور ما جایگاه پیدا کند و علت وجودی این پست را در نظام آموزش و پرورش

جست و به این نکته توجه داشت که بهره‌وری همه جانبه و گسترده از حداکثر فرصت‌های تحصیلی و امکانات اجتماعی با استفاده از خدمات راهنمایی تحصیلی و شغلی بهتر صورت می‌گیرد.

از منظر تاریخی نیز اگر به روند رشد راهنمایی و مشاوره بنگریم، می‌بینیم که مدل‌های اولیه راهنمایی و مشاوره که توسط فرانک پارسونز بنا نهاده شده، نظریه روش‌های تطبیق خصوصیات فردی با شرایط حرفه را ارائه می‌دهد و معتقد است مشاوره مؤثر زمانی است که مشاور سه اقدام تحلیل فرد، تحلیل شغل و مقایسه مشترک این دو تحلیل را به طور موفقیت‌آمیز به عمل آورد.

هالند که تست رغبت او در آموزشگاه‌های دوره متوسطه اجرا می‌شود معتقد است مشاور دو وظیفه توزیعی و سازگاری را در امر هدایت و راهنمایی تحصیلی و شغلی به عهده دارد. مشاور در وظیفه توزیعی می‌خواهد به شاگرد در تدوین هدف‌ها در زمینه حرفه‌ای و تحصیل کمک کند و در بخش سازگاری به دانش‌آموز کمک می‌کند تا بتواند اطلاعات مربوط به خود و محیط را با هدف‌ها تطبیق دهد.

بنابر آنچه گفته شد وظایف مشاوران در مدارس دو بخش اصلی است که یکی اصیل‌تر و عملی‌تر است و دومی به عنوان تابعی از اولی مورد توجه مشاوران در آموزشگاه قرار می‌گیرد.

**بخش اول: راهنمایی و مشاوره شغلی**  
نگارنده تلاش کرده است با توجه به اصول

آموزش و پرورش و ضرورت راهنمایی و مشاوره تحصیلی و شغلی و دیدگاه تاریخی راهنمایی و مشاوره ثابت کند که آنچه برای مشاوران مدارس متوسطه اصل و مهم است راهنمایی و مشاوره تحصیلی و شغلی است. برای رسیدن به هدفی مطلوب و رضایت‌بخش می‌توان اقداماتی مفید و سازنده در مدارس انجام داد. به عنوان مثال یک مورد از وظایف مشاور تحصیلی تشخیص مسائل و مشکلات تحصیلی دانش‌آموزان است که عملیاتی وقت‌گیر و محتاج مهارت مشاوره‌ای است و هم چنین مسئله‌ای است که برخلاف وظایف سازشی مربوط به همه دانش‌آموزان اعم از قوی و ضعیف می‌شود نه یک عده خاص. اگر همین یک وظیفه به‌درستی انجام شود، کاری مهم در آموزشگاه صورت گرفته و دانش‌آموزان را برای همه سال‌های تحصیل راهنما و هادی خواهد بود.

مشاور برای تشخیص مشکل تحصیلی دانش‌آموزان خود را با یک سؤال اساسی مواجه می‌بیند: آیا دانش‌آموزان به قدر استعداد و توانایی خود تلاش می‌کنند یا خیر؟

برای پاسخ‌گویی به این سؤال ابتدا توانایی و استعداد دانش‌آموزان را با آزمون‌های معتبر می‌سنجند، نمرات درسی و کلاسی آنان را ارزیابی کرده، رابطه بین نمرات تحصیلی و میزان هوش آن‌ها را به دست می‌آورند. در این صورت ممکن است چند حالت پیش بیاید:

الف) نمرات شاگرد با توانایی او و معیارها و حد نصاب نمرات پیش‌بینی شده مطابق باشد. در این صورت دانش‌آموز را برای تحصیلات بالاتر تشویق و راهنمایی‌های لازم صورت می‌گیرد.

خواهد برد، لذا بهترین راه، ارجاع مراجع به مراکز ذی صلاح دیگر است.

یادآور می‌شود که برای رسیدن به هدف دوم داشتن مراکز و هسته‌های مشاوره فعال مرکب از اعضای ماهر و با تجربه ضروری است، که بحث آن در حوصله این مقاله نیست. در پایان پیش نهاد می‌شود که هر مشاور علاوه بر مشخص کردن ترجیحات خود در زمینه وظایف شغلی اش مورد زیر را برای مؤثر بودن روش‌های مشاوره مورد تعمق و توجه قرار دهد.

- هر مشاور تلاش کند خود را مهیای پذیرش

(ب) نمرات شاگرد با توانایی او مطابق باشد ولی از حد نصاب نمرات دانش‌آموزان مدرسه بسیار پایین‌تر و به اصطلاح ضعیف باشد. علت، تبلی و کم‌کاری دانش‌آموز نیست بلکه اصولاً او قادر به انجام چنین تکالیفی نمی‌باشد. در این حال مشاور دانش‌آموز را کمک می‌کند تا فرصت‌های تحصیلی در رشته یا برنامه تحصیلی دیگری را بررسی کند.

(ج) نمرات شاگرد کم‌تر از توانایی اوست. در این صورت مشاور درصدد بر می‌آید ببیند که چرا دانش‌آموز کم‌کاری می‌کند، چه مشکلی دارد و برای بر طرف کردن آن تلاش خواهد نمود.

حال که راهنمایی و مشاوره تحصیلی و شغلی به عنوان اصل قابل توجه در مرکز توجهات مشاوران قرار گرفته است، مشاوره سازشی چه خواهد شد؟

در مرکز توجه بودن راهنمایی تحصیلی به معنی فراموش کردن مشاوره و راهنمایی سازشی نیست، بلکه همان‌گونه که قبلاً اشاره شد مشاوران مدارس در حین رسیدگی به وظایف تحصیلی، با مسائل روانی، شخصیتی و تربیتی گوناگونی مواجه خواهند شد که ناگزیر از توجه به آن هستند، لذا برای مداخله در چنین اموری چند راه در پیش است:

۱- ممکن است مشکلات غیر عمیق و سطحی باشند و مشاوران احساس کنند که می‌توانند با حداقل زمان به گونه‌ای که سایر وظایف را مخدوش نکنند به راهنمایی یا مشاوره در آن امر پرداخته، مشکل را خود حل کنند.

۲- احتمال دارد مشکلات عمیق‌تر باشد و مشاور فکر کند که مداخله او زمان زیادی





خاص ارائه خدمت می‌کند می‌تواند مراجعین خود را در هسته مشاوره که از نظر عملی می‌تواند شبیه کلینیک باشد ملاقات کند. از طرف دیگر هر مشاور به مطالعات خود سمت و سویی مشخص داده، با کارورزی مداوم و پذیرش مراجعین، روز به روز بر مهارت خود می‌افزاید.

مراجعانی با مشکلات خاص نماید. به عنوان مثال مشکلات یادگیری یا مشکلات مربوط به اضطراب و افسردگی یا هر دسته از مشکلات دیگر که فکر می‌کند می‌تواند در مواجهه با آن مهارت بیشتری کسب کند. این عمل باعث می‌شود که مشاوران مدارس مختلف هر چه پیش‌تر با یکدیگر ارتباط داشته باشند و ارتباط همه مشاوران یک منطقه با هسته مشاوره حفظ شود. مشاورانی که فقط در زمینه مشکلات

#### منابع:

- اردبیلی، یوسف: اصول و فنون راهنمایی و مشاوره در آموزش و پرورش، چاپ سوم، سال ۱۳۵۲.
- حسینی، سیدمهدی: اصول راهنمایی حرفه‌ای، نشر آشنا، سال ۱۳۵۶.
- حسینی، سیدمهدی: اصول و روش‌های راهنمایی و مشاوره، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی، سال ۱۳۶۹.
- شرتزواستون: اصول راهنمایی، ترجمه علی شریعتمداری، انتشارات مشعل، چاپ دوم، سال ۱۳۶۶.
- شیلینگ لوئیس: نظریه‌های مشاوره، ترجمه سیده خدیجه آریسن، انتشارات اطلاعات، سال ۱۳۷۲.
- فصل‌نامه تعامل: نشریه داخلی مشاوران استان کرمانشاه، سال اول، شماره ۲، سال ۱۳۸۰.
- فصل‌نامه پیام مشاور: سال اول، شماره ۱، سال ۱۳۷۷.
- وزارت آموزش و پرورش: اصول و فنون راهنمایی و مشاوره در آموزش و پرورش، دوره کاردانی تربیت معلم، کد ۱۰۱۳.
- وزارت آموزش و پرورش: برنامه‌ریزی تحصیلی و شغلی، کد ۳۵۹/۲، سال ۱۳۷۸.

پی نوشت:

۱- درصدها میزان تأکید بر انجام کار را نشان می‌دهد.